

بسمه تعالی

«واکاوی موانع خصوصی سازی ورزش ایران»

منصور صادقی فسخودی

چکیده:

این تحقیق با هدف واکاوی موانع خصوصی سازی ورزش ایران از دیدگاه مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان به انجام رسیده است، روش اصلی تحقیق از نظر ماهیت توصیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و کارشناسان مرتبط با بحث خصوصی سازی در وزارت ورزش و جوانان در حدود ۴۱۲ تن بوده که به صورت تمام شماری مورد سنجش قرار گرفته اند.

ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پرسشنامه بر اساس مطالعات پیشین و مخصوصاً مطالعه پرکوپنکو و امیری و همکاران تنظیم شده و شامل سه بعد فرهنگی، سازمانی و سیاسی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از نظر پاسخگویان «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» مهمترین مانع خصوصی سازی است. توجه به درآمد ناشی از واگذاری اماکن ورزشی بجای توجه به افزایش بهره وری آن ها و همچنین بی توجهی به گسترش مالکیت عمومی از جمله مصادیق «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» به شمار می رود. مانع دیگر از نظر پاسخگویان «مقاومت مدیران و کارکنان» است نتایج بررسی این متغیر بیانگر آن است که مدیران دولتی از حضور در شرایط رقابت بازار آزاد واهمه دارند. همچنین کارکنان اماکن ورزشی امنیت شغلی خود را در خطر می بینند و به این خاطر در مقابل واگذاری اماکن ورزشی مقاومت می کنند. سومین مانع به لحاظ اهمیت به «تشریفات پیچیده اداری» در روند واگذاری اماکن ورزشی اشاره دارد. پاسخگویان اظهار داشته اند که پیچیدگی و تشریفات اداری باعث کند شدن روند واگذاری ها شده است. موضوع دیگر «رابطه گرایی شدید در واگذاری اماکن ورزشی» است. داده ها نشان می دهد واگذاری اماکن ورزشی سودده به افراد در شرایط غیررقابتی، اتخاذ شیوه های پیچیده برای توجیه انتخاب افراد مورد نظر و ترجیح روابط غیررسمی بر روابط قانونمند و رسمی در روند واگذاری اماکن ورزشی به طور جدی وجود دارد و مانع خصوصی سازی سالم است. مشکل دیگر «فقدان عزم کافی» مسوولان نسبت به خصوصی سازی ورزش است. نتایج بررسی این متغیر نشانگر آن است که تلاش مسوولان برای خصوصی سازی مداوم نبوده و دچار شدت و ضعف است. به همین ترتیب «نگرش منفی نخبگان به خصوصی سازی» نیز مانع دیگر خصوصی سازی ورزش است. سرانجام «دخالت گروه های ذینفع در امر خصوصی سازی» و «فساد در فرآیند خصوصی سازی» موارد دیگری هستند که به عنوان مانع خصوصی سازی از سوی پاسخگویان مطرح می شوند.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، موانع خصوصی سازی، ورزش، وزارت ورزش و جوانان

خصوصی‌سازی یا به عبارتی دیگر خصوصی‌کردن در مفهوم جدید آن به بعد از دهه هفتاد میلادی باز می‌گردد؛ خصوصی‌سازی در دهه هشتاد به اوج خود رسید و تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه، سیاست‌گذاران را به تجدید نظر در نقشی که مردم در فرایند توسعه ایفا می‌کنند واداشت. در این مفهوم خصوصی‌سازی تحولی فراگیر و متنوع است که به واگذاری کنترل عملیاتی یا مالی موسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می‌شود، نخستین هدف خصوصی‌سازی «افزایش کارایی اقتصاد ملی» است که مسیری مطمئن و مناسب برای عقلایی کردن هدف‌ها و متناسب ساختن اهداف با خواست‌های عمومی ایجاد می‌کند به عبارتی دیگر در فرایند خصوصی‌سازی از یک‌سو حجم و اندازه دولت در اقتصاد بازتعریف می‌شود و از سویی دیگر توانائی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم امکان بروز می‌یابد و در خدمت تحقق آرمان‌ها و آرزوهای جامعه به صورتی کارآمد و بهره‌ور به حرکت در می‌آید.

دلایل روی آوردن به خصوصی‌سازی گرچه از کشوری به کشوردیگر اندکی متفاوت است اما غالباً بر آمیزه‌هایی از قبیل فشارهای مالی، حداکثرسازی نتایج فعالیت‌های اقتصادی، غلبه بر مشکلات و رفع ضعف موسسات عمومی، توسعه بخش خصوصی، انتخاب نمونه‌های موفق و تعیین هدف‌های واقع‌گرایانه مبتنی است.

امروزه مشارکت بخش خصوصی در ورزش ایران به عنوان راه‌کاری برای مقابله با شرایط بسیار دشواری است که صنعت ورزش کشور را احاطه کرده است. توجه روز افزون گروه‌های اجتماعی به حوزه ورزش؛ ساختاری را که به تدریج از سال ۱۳۱۳ - شمسی - با شکل‌گیری «انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران» در تاروپود مناسبات دولتی گرفتار آمده، با مشکل مواجه کرده است. نگرش دولتی حاکم بر توسعه ورزش اندک اندک و در گذر زمان از عرصه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت پا را فراتر گذاشته و به اجرا نیز کشیده شده است. گسترش حوزه اقدامات دولت در ورزش این صنعت را به بودجه عمومی دولت وابسته کرده، به گونه‌ای که امروز میان تعهدات دولت در بخش ورزش و پاسخگویی به آنها در زمان مناسب فاصله‌ای شدید ایجاد شده است.

خصوصی‌سازی ورزش به عنوان جایگزین گسترش مسوولیت دولت در این حوزه مد نظر است، با این وجود خصوصی‌سازی ورزش در مفهوم عام آن - شامل ساخت و تجهیز اماکن ورزشی تا اداره باشگاه‌ها و موسسات ورزشی توسط مردم و تغییر مالکیت آن‌ها - و جلب مشارکت بخش خصوصی در این حوزه با موانع بسیاری مواجه است. در اینجا سوال این است که از منظر کارشناسان و مدیران وزارت ورزش و جوانان موانع «فرهنگی»؛ «سازمانی» و «سیاسی» چه تأثیری بر روند خصوصی‌سازی ورزش ایران دارد و با وجود میل دولت در به‌حداکثر رساندن نقش مردم در عرصه ورزش، چرا نسبت مشارکت کماکان قابل اعتنا نبوده و نمی‌توان ادعا کرد دولت به اهداف خود نائل آمده است.

تعریف و مفهوم خصوصی سازی

واژه خصوصی سازی در سال ۱۹۸۳ برای اولین بار در فرهنگ لغات دانشگاهی وبستر بدین صورت تعریف شد: خصوصی سازی عبارت از «تغییر کنترل یا مالکیت از سیستم دولتی به سیستم خصوصی». (کميجانی & رحیمی فر، ۱۳۷۲)

به اعتقاد بیلی (Bailey, 1987) امروزه یکی از مفاهیم مهم و مورد علاقه در اقتصاد، مباحث مربوط به خصوصی سازی است. او اشاره می کند که هر چند مفهوم نظری خصوصی سازی به اندازه کافی شفاف نیست اما در پژوهش های تجربی، خصوصی سازی تلاشی عمومی است برای کاستن عدم انگیزه هایی که در کارایی ارگان های دولتی وجود دارد و این کار با در معرض قرار دادن انگیزه در بازار خصوصی حاصل خواهد شد.

تامپسون و کی (Kay & Thompson, 1986) هم با نظریه بیلی موافق اند و می گویند «خصوصی سازی اصطلاحی است که ابزارهای روشن و ممکن، تغییر ارتباط و وابستگی بین دولت و بخش خصوصی را پوشش می دهد»

مفاهیم و نظریه ها

راجع به تعادل میان اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی اندیشمندان متعددی نظریه پردازی کرده اند که در نهایت منجر به ظهور مکاتبی چون کلاسیک، اتریش، نئوکلاسیک و مکتب ساختارگرایان شده است. آدم اسمیت مدل «اقتصاد آزاد» را به عنوان مدل اقتصادی سیاسی ایده آل مکتب کلاسیک ارائه داد، مکتب اتریش از ابتدای ظهور اصول بازار را مورد تاکید قرار می دهد، اقتصاد متمرکز را غیرکارا دانسته و آن را نفی می کند و فعالیت های اقتصادی دولت را محدود به شرایط معین می کند در مکتب نئوکلاسیک نورث تئوری نهادها را با توجه به نفع طلبی انسان و تأثیر پذیری آن از ارزش های اخلاقی مطرح کرده است. مکتب ساختارگرایان نیز در واکنش به الگوهای اقتصاد غرب و عدم توازن آن در حل مشکلات کشورهای جهان سوم طرح شده است.

شاید یکی از دلایل گم گشته گی اقتصاد ایران این است که هم تا حدودی به تئوری های اقتصاد کلاسیک و مکتب اتریش و نظریه های نئوکلاسیک معتقد است و همین طور مانند ساختارگرایان تئوری های اقتصاد غرب را برای خود ناکارآمد می داند از اینرو نسبت تئوریک این تحقیق و مانند این با مکاتب پیش گفته چندان روشن و شفاف نیست و لاجرم باید به اهداف و دلایلی که بواسطه آن در کشور اقدام به خصوصی سازی می شود نظر افکند تا جایگاه تحقیقاتی از این دست نسبت به مبانی تئوریک خصوصی سازی در ایران مشخص شود.

مشکلات، موانع و محدودیت های اجرای خصوصی سازی (با تاکید بر مدل مفهومی تحقیق)

شرایط حاکم بر بازار آزاد، بسیاری از کشورها را واداشته تا در شیوه های اقتصادی خود تجدید نظر کرده و با حذف دخالت دولت در اقتصاد و مشارکت بخش خصوصی اداره اقتصاد را به بخش غیردولتی واگذار کنند علی رغم آن و خصوصاً در کشورهای در حال توسعه این پیشرفت کمتر از انتظار بوده است مطابق تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده علت این امر مشکلاتی در ابعاد فرهنگی، سازمانی، سیاسی و سایر ابعادی است که هر یک به نوبه خود و با درجاتی در کشورها خودنمایی

می‌کند؛ در ادامه به توضیح مشکلات تحقق اهداف خصوصی‌سازی ورزش ایران با تاکید بر مدل مفهومی تحقیق خواهیم پرداخت.

موانع فرهنگی

مقاومت کارکنان و مدیران

هنگامی که خصوصی‌سازی به منافع، روابط و موقعیت و امنیت شغلی افراد (مدیران و کارکنان) لطمه وارد کند باید انتظار داشت به انهی مختلف در برابر آن مقاومت شود. تجربه برخی بنگاه‌های دولتی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود بیانگر آن است که کارکنان و مدیران می‌توانند به عنوان مانعی در مقابل خصوصی‌سازی قد علم کنند. (پرکوپنکو، مدیریت خصوصی‌سازی، ۱۳۸۰)

در مراحل اولیه خصوصی‌سازی در اروپای مرکزی، بعضی مدیران بنگاه‌های دولتی در لهستان از تلاش برای بازسازی یا فروش بنگاه‌های دولتی به سرمایه‌گذاران خصوصی طفره رفتند. برخی دیگر از آنها هم از موقعیتشان برای فروش یا خرید دارایی‌های دولتی با قیمت پایین قبل از اجرای طرح‌های خصوصی‌سازی بهره بردند.

در فدراسیون روسیه بسیاری از مدیران بنگاه‌های دولتی از مخالفان سرسخت نظام خصوصی‌سازی بودند، بسیاری از آنها که برای خصوصی‌سازی استعفا داده بودند برای خرید غیررقابتی بنگاه‌های دولتی بجای عرضه مکانیزم‌هایی مانند «توزیع اوراق بهادار» اعمال فشار می‌کردند.

در شیلی کارکنان بنگاه‌های دولتی با درک تهدیدات ناشی از خصوصی‌سازی (تعلیق و بیکاری) با آن به مخالفت برخاستند؛ اتحادیه‌های کارگری شیلی - بدلیل ترس از بیکاری - با تدارک اعتصاب مخالفت خود را با طرح فروش قسمتی از شرکت‌های نیرو و معدن ابراز داشتند.

رهبران سیاسی و اتحادیه‌های تجاری تایلند در مخالفت با خصوصی‌سازی بسیار صریح بودند، آنها نگران بودند با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی با کاهش شغل مواجه شوند.

بسیاری از مدیران بنگاه‌های دولتی اروپای شرقی از چالش‌های ناشناخته اقتصاد بازار آزاد واهمه داشته و در برابر تغییرات حاصل از خصوصی‌سازی مقاومت می‌کردند. کارکنان هم که امنیت شغلی خود را در معرض خطر می‌دیدند. با کاهش تولید و نقصان عرضه خدمت، بی‌میلی خود را به خصوصی‌سازی به گونه‌ای دیگر نشان می‌دادند.

فقدان عزم کافی

شرایط ایران در عرصه خصوصی‌سازی گواه مناسبی است تا مولفه «فقدان عزم کافی» در خصوصی‌سازی را واکاوی کنیم. اقتصاد ایران از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل شده ولی ۸۷٪ از اقتصاد ایران در اختیار بخش دولتی است. حتی با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و تشکیل سازمان خصوصی‌سازی باز هم کفه اقتصاد دولتی به شدت سنگینی می‌کند.

در ورزش واگذاری دو باشگاه پرسپولیس و استقلال- سال ۹۳ و ۹۴ - گرچه پشتوانه قانونی داشت و سازوکار لازم برای واگذاری این دو باشگاه پیش‌بینی شده بود اما روند تصمیمات به گونه‌ای است که زمان مشخصی را برای اجرای آن نمی‌توان تصور کرد و بیش از اینکه ضعف در قانون‌گذاری یا لوازمات دیگر مطرح باشد، فقدان اراده و عزم کافی خودنمایی می‌کند.

نگرش منفی نخبگان به خصوصی‌سازی

در طول تاریخ بحث‌های مربوط به خصوصی‌سازی غالباً بین دو قطب مخالف بی‌نهایت دولتی و بی‌نهایت خصوصی در نوسان بوده است دیدگاه‌های دولتی که در طول قرن بیستم به وسیله سوسیالیست‌ها پشتیبانی می‌شد می‌گوید که مطلوب است دولت خود مالکیت شرکت‌ها را در دست داشته و خدمات عمومی را عرضه نماید؛ علاوه بر این می‌توان با در نظر گرفتن نفع عمومی به کارگزاران دولتی اعتماد نمود اندیشه‌های سوسیالیستی به عنوان بارزترین طیف مدافع دولتی‌سازی از مخالفین سرسخت خصوصی‌سازی محسوب می‌شوند آنها مدعی بودند سرمایه می‌تواند با سرعت بیشتر و هزینه کمتر توسط دولت افزایش یابد، یا به شکل کارآمدتر، هماهنگ تر و با صرفه تر ارائه شود.

پس از بحران و رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ که اغلب اقتصادهای دولت‌های اروپایی را فرا گرفت کینز با بررسی وضعیت وخیم اقتصادی و سیاسی این کشورها تنها راه حل را دخالت دولت در اقتصاد دانسته و معتقد بود در شرایط ناکارایی مکانیسم بازار، تنها تصمیم‌گیری خارج از سیستم بازار و توسط دولت می‌تواند موجب برقراری تعادل شود.

طی دهه‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰ غلبه دیدگاه‌های کینزی و توجه به نظریات افرادی همچون گروشنکرون، رودنشتاین، پرو و هیرشمن منجر به رویکردی گردید که بر نارسائی‌های بازار تکیه داشت. از این رو دخالت دولت ضروری تشخیص داده شد. ضمن اینکه اطمینان بیش از حدی به قابلیت‌های دولت در اعمال دخالت‌های نتیجه بخش دولت وجود داشت. دولت‌گرایان فرض را بر این می‌گیرند که بخش دولتی به صورت خودکار به نفع عموم کار خواهد کرد زیرا انگیزه‌ای منفعت طلبانه برای اقدام دیگری وجود ندارد. (اوانز، ۱۳۸۰)

باید توجه داشت طی دوره جهانی شدنی، موفق‌ترین کشورهای جهان سوم در زمینه اقتصادی آن‌هایی نبوده‌اند که در پیروی از «وفاق واشنگتن» راه افراط پیمودند و بازارهای سرمایه خود را گشودند و از تلاش برای تقویت تحولات اقتصادمحلی دست برداشتند بلکه آن‌هایی بودند که محتاطانه عمل کردند و از تنظیم روابطشان با سرمایه بین‌المللی دست برنداشتند. نه تنها فاجعه روسیه بلکه عملکرد بد آرژانتین نیز نشانگر آن است که گوش سپردن به آثر جهانی شدن لزوماً موفقیت آمیز نخواهد بود. (اوانز، ۱۳۸۰)

جمهوری خلق چین طی دهه ۱۹۹۰ تنها و موفق‌ترین کشور جهان سوم از لحاظ رشد اقتصادی کلی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود و این کشور نه تنها به دیدگاه سرمایه‌داری آزاد تن نداد بلکه به پیروی از راهبردهایی ادامه داد که به راهبردهای دولت توسعه‌گرا نزدیکتر بود تا مدل نولیبرالی. (اوانز، ۱۳۸۰)

تجربه خصوصی‌سازی در کشورها نشان می‌دهد که اگر خصوصی‌سازی در شرایط مناسب و با ابزار موثر و صحیح صورت نگیرد، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است شرایط اقتصادی را نسبت به گذشته وخیم‌تر کند. (اوانز، ۱۳۸۰)

خصوصی سازی یک مرهم معجزه آسا نیست، مباحثه همچنان درباره آثار آن - و بالطبع مطلوبیت آن - خصوصاً در کشورهای که اصلاحات تکمیلی در آن‌ها به اجرا گذاشته نشده است و رقابت در آن‌ها محدود و ظرفیت‌های سیاست‌گذاری و نظارتی در آن‌ها نوباست، هنوز جریان دارد. (بیردزال & نلیس، بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه، ۱۳۸۹)

موانع سازمانی

طراحی نادرست فرآیند اجرای خصوصی سازی

توجه به ساختار اقتصاد ایران مؤید غلبه حضور دولت در آن است لذا برای خصوصی سازی چاره‌ای جز اتخاذ سیاست خصوصی سازی بازار به بازار و مرحله‌ای نیست.

در واگذاری‌ها؛ شرکت‌های بزرگ - اصطلاحاً گروه ۲ - ملاک قرار گرفته‌اند این بنگاه‌ها هر کدام سرمایه چند هزار میلیاردی دارند و بخش خصوصی واقعی برای خرید این حجم از سرمایه توانایی لازم را ندارد.

توجه به استقرار و طراحی درست فرآیند خصوصی سازی همپایه اتخاذ یک راهبرد صحیح در روند خصوصی سازی است، یکی از اهداف سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ «افزایش سطح رقابت در بازارهای ملی و ارتقای رقابت پذیری ملی اقتصاد ایران» است. لازمه تحقق این هدف پیش از خصوصی سازی بنگاه‌ها، استقرار سازوکار بازار رقابتی است.

نسبت بازارها و بازیگران اقتصادی را می‌توان به رابطه مجموعه زیرساخت‌های فیزیکی میدین ورزشی با قواعد بازی و نظام داوری تشبیه کرد. آیا بدون فراهم بودن زیرساخت‌های لازم می‌توان یک رقابت سالم ورزشی را انتظار داشت بنابراین در عرصه اقتصاد هم تعریف قواعد بازی و ساخت زیر ساخت‌ها شرط پیش‌بینی یک رقابت سازنده است. (پاکدامن، جنبه‌های کاربردی خصوصی سازی، ۱۳۷۴)

به بیان دیگر بازارهای گوناگون ویژگی‌های متفاوتی دارند لذا ضروری است فرآیند خصوصی سازی با توجه به وضعیت پیشین آنها و ماهیت بازار طراحی شود. در طراحی فرآیندهای خصوصی سازی باید به میزان و شدت انحصارات دولتی توجه کرده و سازوکارهای متفاوتی را برای آنها در نظر گرفت و سیاست خصوصی سازی و فرآیندهای اجرایی آن؛ بازار به بازار اتخاذ شود و همچنین پیش از واگذاری‌ها به نتایج و آثار آن اندیشید.

برای طراحی درست فرآیند اجرای خصوصی سازی سه اقدام بنیادین ضروری است قدم اول انحصار زدایی است این موضوع ناظر بر لغو انحصارات و بازنگری در نظام حمایتی از آن‌هاست. (مجلس شورای اسلامی، ۱۸ فروردین ۱۳۸۱)

مرحله بعد جایگزینی قواعد جدید در مقابل مقررات انحصاری است به تحقیق این گام سخت‌ترین گام است چرا که مقاومت نهادهای پیشین به ویژه هنجارهای تاریخی بازارهای انحصاری و بهره‌مندان از آن‌ها را به همراه دارد و نباید انتظار داشت که ذی‌نفعان بازارهای انحصاری به سادگی تسلیم رقابت شوند.

و گام سوم استقرار نهادهای جدید بازار است فرآیند واگذاری بنگاه‌ها باید به نحوی صورت گیرد که حصول اطمینان از موفقیت بنگاه در بازار را بیشینه و مخاطره شکست آن را کمینه نماید. نخستین شرط تحقق این هدف حصول اطمینان از

سلامت بنگاه پس از واگذاری است از این موضوع در ادبیات خصوصی سازی تحت عنوان بازسازی ساختاری بنگاه ها یاد می شود. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶)

جوهر و مفهوم خصوصی سازی این است که دولت مدیریت و کنترل یک بنگاه را رها سازد و مالکیت سهام آن را به بخش خصوصی واگذار کند یکی دیگر از مولفه های طراحی نادرست فرآیند خصوصی سازی آن است که مدیریت بنگاه واگذار شده کماکان در اختیار دولت باقی بماند؛ فروش بخشی از سهام یک بنگاه نمودی از طراحی نادرست فرآیند واگذاری است چرا که دولت با داشتن ۴۰ درصد سهام آن همچنان کنترل و مدیریت بنگاه را در اختیار خواهد داشت و می توان ادعا نمود عملاً خصوصی سازی محقق نشده است. (رشیدی، نظام حقوقی حاکم بر خصوصی سازی در چارچوب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲)

تشریفات پیچیده اداری

در بسیاری از کشورها، با وجود حمایت های سیاسی، فرآیند خصوصی سازی با سرعتی خیلی کمتر از سرعت پیش بینی شده صورت گرفت زیرا ساختارهای سازمانی و رویه های خصوصی سازی ضعیف، پیچیده و مبهم بودند، مثلاً ارزیابی بنگاه های دولتی در مالزی و فیلیپین بسیار زمان بر بود، خصوصی سازی در مالزی با محدودیت های قانونی و اداری مواجه شده بود. برخی از واحدها و آژانس ها هنوز اختیار فروش قسمتی یا همه دارایی های خود را نداشتند. از سوی دیگر کلیه کارکنان دولتی می بایست به هر ترتیب به صورت مادام العمر مستمری خود را دریافت کنند و برای پرداخت مستمری آنها پس از خصوصی سازی شرکت های مربوطه راه کارهایی ارائه شود. مهم تر از همه آنها دولت مالزی به منظور از بین بردن فقر و اشاعه فرصت های اقتصادی برای بومیان مالزی بر کار شرکت های دولتی کنترل داشت و پر واضح است که در ارائه خط مشی فروش بنگاه های دولتی به این اهداف سیاسی توجه لازم مبذول می شد. (پرکوپنکو، مدیریت خصوصی سازی، ۱۳۸۰)

دلایل کندی خصوصی سازی در کشورهای اروپای مرکزی عبارت بودند از پیچیدگی های بوروکراتیک ناشی از رویه های پیچیده و مبهم، محدود بودن کارکنان ماهر وزارتخانه ها و آژانس های دولتی در امر تجدید نظر و تأیید طرح های خصوصی سازی و در برخی موارد، تأخیرات عمومی بوروکرات ها. (پرکوپنکو، مدیریت خصوصی سازی، ۱۳۸۰) همچنین در رابطه با مواجهه برخی کشورها با پیچیدگی های اداری اظهار می دارد مشکلات اولیه لهستان، اسلونی و فدراسیون روسیه ناشی از قواعد و رویه های مبهم خصوصی سازی بود. و این امر خود موجب بروز تفاسیر و استانداردهای متعدد توسط وزارتخانه ها و سازمان های مختلف می شد.

عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی

یکی از اهداف خصوصی سازی رقابتی کردن بازار است. برای تحقق این هدف استقرار نظام رقابتی جایگزین باید مورد توجه قرار بگیرد. این بدین مفهوم است که در مورد هر بازار باید نظام رقابت متناظر آن وضع شود - از این موضوع در ادبیات خصوصی سازی تحت عنوان خصوصی سازی مرحله ای و ساماندهی بازار هدف یاد می شود - تا افرادی که از بخش های دولتی و تعاونی تمایل به ورود به آن را دارند از مزایا و محدودیت ها و همچنین فرصت ها و مخاطرات مطلع بوده و همچنین تصمیمات آنها از موضع آگاهی باشد. (رشیدی، نظام حقوقی حاکم بر خصوصی سازی در چارچوب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲)

موثرترین تدبیر جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، استقرار نظام رقابتی است اما واگذاری سهام خارج از بازار - تحت عنوان رد دیون - به نهادهای شبه دولتی یا انتظار کسب درآمد از خصوصی‌سازی مانع عمده‌ای بر سر راه این هدف - استقرار نظام رقابتی - تلقی می‌شود. (کمیسون ویژه نظارت و پیگیری اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۹)

یکی دیگر از اهداف متصور خصوصی‌سازی «گسترش مالکیت عموم مردم» است، صنعت ورزش به ذاته مورد علاقه اکثریت افراد جامعه است از اینرو اگر شرایطی حاصل شود که آنها بتوانند در مالکیت ورزش کشور سهم شوند فروگذار نخواهند بود.

موانع سیاسی

رابطه‌گرایی شدید در واگذاری

در فرایند خصوصی‌سازی ممکن است فرد یا گروهی برای تغییر تصمیمات و حذف رقابت مستقیماً در فرآیند خصوصی‌سازی دخالت کرده یا برای کسب منافع شخصی با تصمیم گیرندگان ارتباط برقرار نماید.

(دانایی فرد، چالش‌های مدیریت دولتی ایران، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۱) عنوان می‌دارد «اکنون در پرتو مدیریت دولتی نوین نظام توزیع غنایم به شکل واگذاری شرکت‌های سودده به طرفداران حزبی و حتی اقوام و دوستان متجلی شده است این وضعیت در بسیاری از کشورها رایج است به عبارت دیگر بر اساس نظریه جابجایی مدیران دولتی در کشورهای جهان سوم، حاکمیت دولت و مدیریت دولتی در دست مجموعه‌ای خاص است.»

این ره‌آورد ناخوشایند مدیریت دولتی نوین ضمن کاهش اعتماد عمومی به دولت، مشروعیت نظام سیاسی این کشورها را نیز به چالش کشیده‌است هرچند نظام توزیع غنایم در این کشورها با نوساناتی همراه است در بسیاری از کشورها مصداق و نمود عینی دارد. (دانایی فرد، چالش‌های مدیریت دولتی ایران، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۱)

شیوه‌های تعیین الزامات مناقصه، طرح پروژه و خود فرایند می‌تواند فضایی برای رابطه‌گرایی فراهم آورد تعیین جزئیات پیچیده، مدیریت زمان مناقصه یا شرایط کیفی غیر ضروری نیز طی فرآیندی کاملاً شفاف؛ انتخاب از پیش تعیین شده یک شرکت کننده یا حذف دیگر شرکت کننده را مخفی می‌سازد. (وایزشر و همکاران، ۱۳۸۶)

دخالت گروه‌های ذی‌نفع در امر خصوصی‌سازی

(الوانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۴) بیان می‌دارد گروه‌های ذی‌نفوذ به گروهایی اطاق می‌شود که هدف و مقصود مشترکی را دنبال می‌کنند و از نفوذ و قدرت مسلطی در یک زمینه برخوردار می‌باشند؛ البته هر سازمان و گروهی ممکن است در موقعیت‌های خاص حالت گروه ذی‌نفوذ را به خود بگیرد گروه‌های ذی‌نفوذ ممکن است بکوشند تا منافع مادی اعضای خود را تأمین کند و از این جهت برای آنان تکیه گاهی مطمئن باشند.

شیوه نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ متنوع و متعدد است. آنها ممکن است برای اعمال نفوذ به اقدامات علنی یا پوشیده‌ای دست بزنند. زمانی که این گروه‌ها به طور عمومی از برنامه‌ای حمایت می‌کنند یا رسماً طرحی را مورد انتقاد قرار می‌دهند برای اعمال

نفوذ به اقدامات علنی توسل جسته‌اند در اقدامات پوشیده، تماس‌ها، کمک‌ها و ارتباطات جنبه مخفی دارد و عام و علنی نمی‌باشند.

ایجاد ارتباط با مقامات بالای سازمان‌ها و صاحبان قدرت نیز شیوه‌ای است که در برخی مواقع مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفوذ قرار می‌گیرد. یکی دیگر از ابزارهای مورد استفاده این گروه‌ها، رسانه‌های گروهی و تبلیغات می‌باشد. با توسعه وسایل ارتباطی جمعی، این شیوه در بسیاری موارد می‌تواند قدرت گروه‌های مذکور را عملی ساخته و نفوذ آنان را تحقق بخشد. تأکید بر اخبار جهت‌دار و انتقال و ارائه آن به جامعه، بر افکار عمومی تأثیر بسیار دارد و مراجع حکومتی را به عکس‌العمل وادار می‌سازد؛ عکس‌العملی که مسلماً در تصمیم‌گیری آنها بی‌تأثیر نخواهد بود. همچنین اطلاعات مذکور ممکن است مستقیماً به تصمیم‌گیرندگان دولتی ارائه شود و موجب اعمال نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ (ذی‌نفع) گردد. ائتلاف نیز تاکتیک دیگری است برای تحقق اهدافی که در سایه اتحاد و اتفاق بین چند گروه امکان پذیر می‌گردند. تحریم و مقاومت منفی نیز در شرایطی که طرفداران گروه‌های ذی‌نفوذ زیاد باشند، حربه موثری برای اعمال نظرات آنان است. اجتماعات و تظاهرات عمومی در بیان درخواست‌ها و رفع مشکلات، شیوه دیگری است که مورد بهره‌برداری گروه‌های ذی‌نفع قرار می‌گیرد، دادخواهی عمومی و استفاده از نظام قضایی و عدلیه نیز می‌تواند برای رسیدن به هدف‌ها، مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد اقامه دعوی علیه اقدامات دولت و تبلیغات در مورد آن، از نمونه‌های کاربرد این روش است روش‌های خشنونت آمیز اعتصابات و ایجاد بی‌نظمی برای توجه افکار عمومی نیز گاهی اوقات به عنوان تاکتیک مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفع قرار می‌گیرد. (الوانی، ۱۳۹۱)

گروه‌های ذی‌نفع قوی در کشورهای در حال توسعه با خط مشی‌های خصوصی‌سازی و گسترش مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی به شدت مخالفند، مخالفت‌ها بیشتر از طرف رهبران سیاسی که در موقعیت ممتاز کنترل بودند و اتحادیه‌های کارگری ابراز می‌شد، چون می‌ترسیدند شغل دولتی خود را از دست بدهند.

گروه‌های مشتری سازمان یافته نیز مخالف خصوصی‌سازی بودند زیرا می‌ترسیدند که هزینه کالاها و خدماتی که دولت به آنها یارانه می‌دهد افزایش بیابد. در برخی کشورها، تجار قدرتمندی که نمی‌خواستند روابط دیرپای آنان با بنگاه‌های دولتی خراب شود، با رقابت آزادتر مخالف بودند. مخالف قدرتمند خصوصی‌سازی در تایلند، ارتش بود که از کنترلش بر شرکت‌های عمومی برای استخدام افسران عالی‌رتبه پس از بازنشستگی استفاده می‌کرد. دولت بولیوی در سال ۱۹۹۲، ۲۵ بنگاه را که ارتش اداره می‌کرد برای خصوصی‌سازی معین کرد و با مخالفت افسران ارشدی که کنترلشان را بر بنگاه‌های تجاری از دست می‌دادند، مواجه شد. گاهی اوقات نیز وزارتخانه‌هایی که بنگاه‌های دولتی زیر نظرشان بود، با خصوصی‌سازی مخالفت می‌کردند، با وجود حمایت رهبران سیاسی ارشد تایلند از خصوصی‌سازی، وزارتخانه‌ها و آژانس‌های متعددی با آن مخالفت بودند و آن را به تأخیر می‌انداختند؛ چون می‌ترسیدند آژانس آنها قدرت، موقعیت یا کنترل منابع مالی را از دست بدهد.

گروه‌های اجتماعی، قومی و مذهبی که از کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی سود می‌بردند نیز، با خصوصی‌سازی مخالفت می‌کردند. در اندونزی ملی‌گرایان اقتصادی و مسلمانان قویاً با خصوصی‌سازی مخالفت بودند. آنان از سرمایه‌داری غربی متنفر بودند و از دولت انتظار داشتند در توزیع مجدد منابع (به شکل یارانه مواد غذایی، کنترل قیمت‌ها، ایجاد شغل، برنامه‌های اجتماعی یا پروژه‌های توسعه منطقه) دخالت کند. در اندونزی و مالزی این ترس عمومی وجود داشت که خصوصی‌سازی باعث شود که فن سالاران ثروتمند چینی یا بنگاه‌های چند ملیتی بر صنایع خدمات عمومی مسلط شوند.

فساد در فرآیند خصوصی سازی

فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی است که در آن به طور نادرست و غیرقانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند (Stapenhurst & Langseth, 1997) فساد را می توان به دو مقوله جزئی و کلان تقسیم کرد:

فساد جزئی به افزونه خواهی های جزئی اشاره دارد و در آن کارکنان دولت مبالغی را از شهروندان دریافت می کنند؛ فساد کلان توسط مقامات عالی رتبه دولتی صورت می گیرد؛ این مقامات عمدتاً در زمینه انعقاد قراردادهای بزرگ تصمیم گیری می کنند.

فساد معمولاً در جایی رخ می دهد که بخش دولتی و بخش خصوصی با یکدیگر ملاقات می کنند، به ویژه در جاهایی که مقامات دولتی مسئولیت مستقیم عرضه خدمات عمومی یا اعمال مقررات خاصی را بر عهده دارند. برای وقوع فساد عناصر زیر باید وجود داشته باشند:

مقام دولتی، قدرت، آزادی عمل، سوء استفاده از قدرت توسط مقام دولتی و نوعی منفعت که نصیب مقام دولتی می شود (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶)

پژوهش ها نشان می دهند که در جاهایی که فساد مزمن هست هزینه ناعادلانه هنگفتی بر کسب و کارهای کوچک تحمیل می شود. در اثر فساد چه بسا بنگاه هایی که قصد خصوصی سازی آنها را داریم به پیشنهاد دهندگان با صلاحیت تخصیص نیابند. در روسیه مالکیت بیش از هفتاد درصد شرکت ها به دنبال اجرای برنامه خصوصی سازی رسمی در سال های ۹۴ - ۱۹۹۲ به افراد داخلی شرکت ها - دارندگان اطلاعات پنهان شرکت ها - منتقل شد. انتظار این بود که این مالکان درهای شرکت ها را به روی افراد خارج که پول و تخصص داشتند باز کنند. پیش بینی می شد صندوق های سرمایه گذاری تازه تأسیس به این جریان کمک کنند ولی مالکان جدید نسبت به از دست دادن کنترل خود بر شرکت بی میلی نشان می دادند و سرمایه گذاران خارجی در وضعیت نابسامان و بی قانونی، بسیار محتاطانه عمل می کردند در نتیجه هیچ یک از سرمایه گذاران جدید یا صندوق های سرمایه گذاری روسیه در تغییر و تمرکز مالکیت در بازار ثانویه توفیقی به دست نیاوردند و پیامد آن هم تنها یک بازسازی محدود بود. روش های نقدی غیرشفاف شرکت های بزرگ روسیه و برنامه مشهور «وام برای سهام» به فرهنگ دزد سالاری کمک کرد یا باعث ایجاد آن شد. به این معنی که بسیاری از شرکت های مستعد با قیمت های پائین به گروه های کوچک سرمایه گذاران انتقال یافتند (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶) یکی دیگر از مظاهر فساد در فرآیند خصوصی سازی روسیه عدم پرداخت قیمت مناسب از طرف سرمایه گذاران جدید برای تصاحب شرکت ها بوده است تجربه کشور روسیه نشان داد در پیش گرفتن روش های غیرشفاف فروش، به فساد در واگذاری ها دامن خواهد زد.

نبود شفافیت باعث بروز فساد می شود و بهانه ای به دست مخالفان سیاسی و دیگران می دهد و عقب نشینی سرمایه گذاران و کل جامعه را به همراه می آورد و تهدیدی جدی برای توقف جریان خصوصی سازی و اصلاحات و آزادسازی به شمار می رود. مطالعات اخیر در آرژانتین و آمریکای لاتین نشان می دهند که علت اصلی کاهش پشتیبانی از برنامه خصوصی سازی وجود اوضاع نامناسب اقتصادی بوده، اما روش های به کاررفته در جریان خصوصی سازی به «دارندگان اطلاعات نهایی» اجازه داد به

«داد و ستد درونی» بردازند، در حالی که «حراج‌های» بعد از خصوصی‌سازی به بخشش قسمتی از باارزش‌ترین دارایی‌ها به تعدادی از اشخاص با نفوذ انجامید و این افراد نیز به دلیل نبود تمهیدات قانونی و نهادی مناسب به اقدامات نامشروع خود ادامه دادند در نتیجه مردم به مبارزه با خصوصی‌سازی پرداختند و آن را مترادف با اتلاف و انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص در نظر گرفتند. (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶)

ایجاد شفافیت به معیارهای متعددی بستگی دارد انتقال سریع و کامل دارایی‌ها بدون توجه ویژه به مزایا و امتیازات دارندگان اطلاعات نهایی در شرکت‌های رقابتی، حیاتی است، شواهدی از مکزیک، بلغارستان، آفریقای جنوبی و سایر نقاط نشان می‌دهند که هنگامی که شرکتی قرار است واگذار شود تأخیر در تکمیل فرآیند واگذاری شرکت به افت عملکرد، اتلاف دارایی‌ها و فروش با نرخ پائین منجر می‌شود و در نهایت به جای حرکت جریان نقدینگی، خریداران معدودی به سمت این شرکت گام برمی‌دارند. تأمین نقدینگی رویکرد فنی درستی است ولی از نظر سیاسی ناپسند به شمار می‌رود در این حالت ممکن است به مذاکره برای رسیدن به توافق ویژه نیاز باشد که این امر نیز احتمال افزایش عدم شفافیت را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، فروش شرکت‌ها - به ویژه بنگاه‌های زیربنایی - در نبود اقداماتی برای ارتقای رقابت و مقررات و حمایت از مصرف‌کنندگان در برابر سوء استفاده از قدرت انحصاری، می‌تواند بسیار هزینه بر باشد.

اولویت باید با واگذاری سریع شرکت‌هایی باشد که در بازارهای رقابتی یا رقابتی بالقوه فعالیت دارند اما لازم است ساختار مناسب برای واگذاری شرکت‌های زیربنایی پدید آید.

چارچوب نهادی موثری مورد نیاز است ولی مطالبه این چارچوب از به عمل در آوردن آن بسیار ساده تر است. در بحث خصوصی‌سازی این امر مستلزم مواردی است که از جمله می‌توان به حداقل کاغذ بازی‌های اداری، دسترسی مستقیم و پشتیبانی مسئولان عالی رتبه سیاسی، منابع کافی و انعطاف‌پذیری برای جذب منابع خصوصی متعدد و البته گران، به منظور تکمیل و فراهم کردن فرآیند فروش، اشاره کرد. مشاوران مالی مستقل و کارشناسان خبره در این مقوله نقش مهمی ایفا می‌کنند به ویژه در ارزیابی مستقل دارایی‌ها بر اساس وضعیت بازار و با هدف اطمینان از واقعی و مناسب بودن نرخ‌ها که البته از لحاظ سیاسی نیز قابل دفاع باشد.

واگذاری انجام عملیات خصوصی‌سازی به وزارتخانه‌ها در صورت وجود درجات بالای تعهد سیاسی و ظرفیت کافی اداری، می‌تواند بسیار مطلوب باشد. اما به طور معمول چنین زمینه‌هایی در اغلب کشورها موجود نیست. فراوانی و گوناگونی مراحل مختلف فروش، موجب بروز نگرانی نسبت به وجود ثبات و شفافیت می‌شود. افزایش رقابت در جریان واگذاری، شاید به نوبه خود موثرترین شیوه برای رسیدن به شفافیت باشد و مزایای مالی و اقتصادی فراوانی به بار آورد. هرچه آزادی در رقابت برای انتخاب بیشتر باشد شفافیت بیشتر خواهد بود (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶)

عرضه عمومی یا انتشار سهام به عنوان مهمترین عامل شفافیت و منفعت فروشندگان به شمار می‌رود در حالی که نگرانی‌های زیادی درباره امکان بروز فساد در جریان برنامه خصوصی‌سازی وجود داشته است. (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶)

نتایج تحقیق دکتر امیری دانشیار دانشگاه تهران و همکاران با عنوان «تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش» بیانگر آن است که موانع اصلی فراروی خصوصی سازی ورزش از منظر صاحب نظران دانشگاهی به ترتیب عبارت است از موانع «مدیریتی»، «فرهنگی / اجتماعی»، «اقتصادی / سیاسی» و «حقوقی». (امیری و همکاران، ۱۳۹۲)

(زرنندی، موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران، ۱۳۹۱) با بررسی «موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران» نتیجه گرفته است که موانع و مشکلات مشارکت بخش خصوصی به دو دسته کلی تقسیم می شود؛ دسته اول، موانعی که در بدنه کشور وجود دارند مانند ضعف در ساختار بخش دولتی؛ وجود قوانین متعدد، متناقض و سخت گیرانه؛ نبود تعریف مشخص از مالکیت باشگاه های خصوصی و دسته دوم موانعی که به طور ویژه مربوط به بخش خصوصی می باشد که مهمترین آن ها عدم اعتقاد به کارایی بخش خصوصی، فقدان فرهنگ خصوصی سازی و عدم پذیرش مالکیت بخش خصوصی می شود.

نتایج تحقیق (قره خانی و همکاران، بهار ۱۳۹۰) با عنوان «شناسایی و اولویت بندی موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور» حاکی از آن است که : موانع اقتصادی و مالی ۰/۷۹، موانع حقوقی و قانونی ۰/۶۸ و موانع ساختاری ۰/۴ به ترتیب در رتبه های اول تا سوم قرار دارند.

(علی زاده، خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی، ۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی» مهمترین مشکلات دولت در مرحله پیش از اجرای خصوصی سازی را شامل: نبود اطلاع رسانی دقیق و شفاف به مردم، ضعف در ابلاغ برنامه های خصوصی سازی، عدم تعیین و تصریح اهداف خصوصی سازی، فقدان تعیین دقیق سیاست ها و راهبردهای خصوصی سازی، فقدان ایجاد رویه های قانونی و روزآمد، فقدان اولویت بندی مناسب برای واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی، فقدان انجام اقدامات ضروری در جهت کاهش میزان تورم می داند.

(هادی فر، ۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «موانع اقتصادی خصوصی سازی و آزادسازی در مخابرات» مهمترین موانع در جهت خصوصی سازی را شامل: ضعف مهارت های مدیریتی، نبود عزم ملی در اجرای سیاست خصوصی سازی، عدم تعریف و شناخت گروه های ذی نفع و ذی نفوذ و نبود برنامه منسجم برای خصوصی سازی می داند.

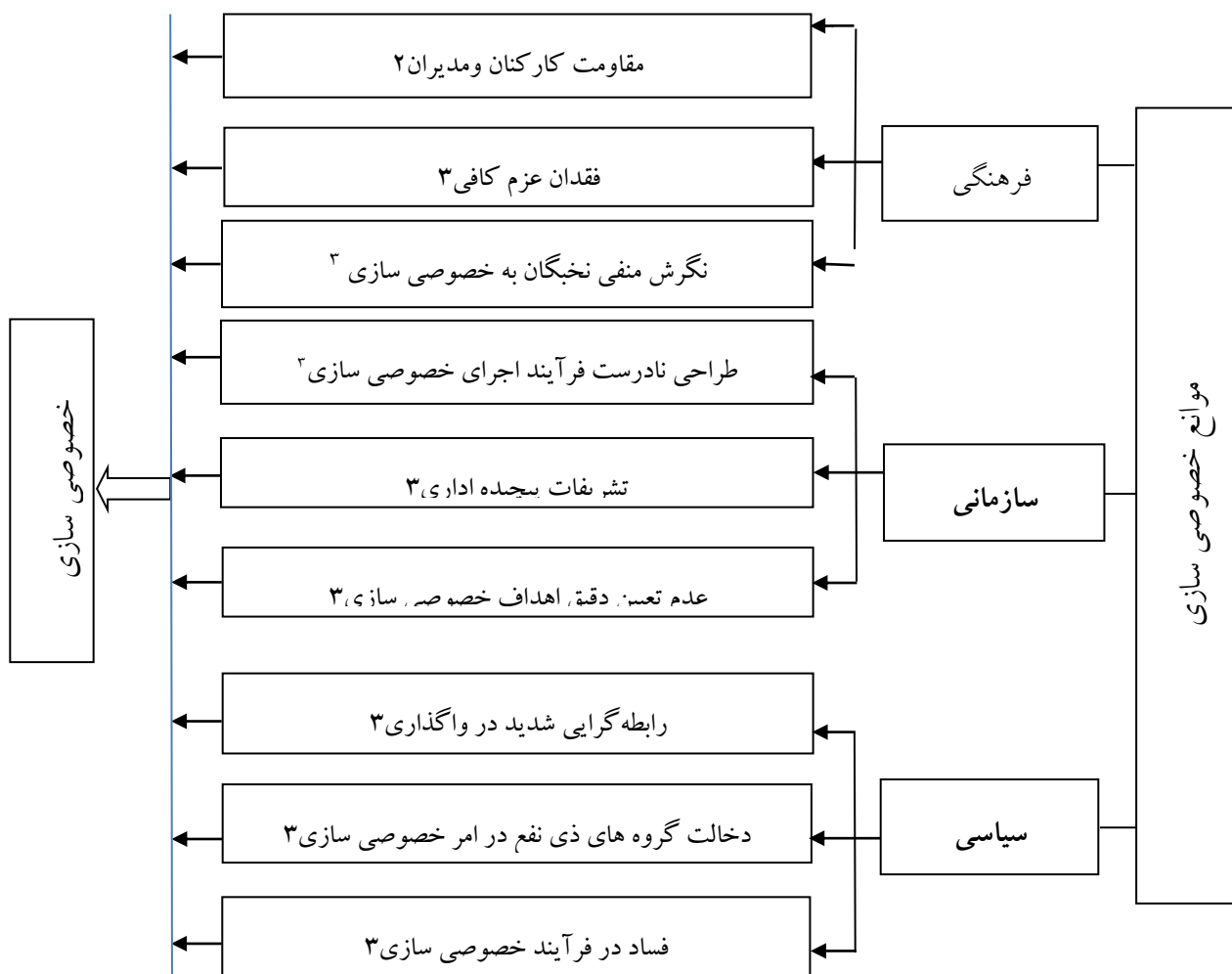
(کاظمی، بررسی موانع خصوصی سازی در شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل پراکوپنکو، ۱۳۸۸) در مطالعه خود موانع خصوصی سازی در شرکت پست را بررسی کرده است. نتایج حاصل از تحقیق وی حاکی از آن است که بین مقاومت مدیران و کارکنان، پیچیدگی بوروکراتیک سازمان و ضعف مهارت های مدیریتی و روند کند خصوصی سازی رابطه معنی داری وجود دارد.

(رضوی، بررسی و تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی، ۱۳۸۳) رساله دکتری خود را با عنوان «تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی» انجام داد. وی چنین نتیجه گیری کرده

است که فقط ده درصد مدیران با ضرورت خصوصی سازی در ورزش موافق نیستند و مدیران دارای تحصیلات عالی تر، گروه سنی بالاتر، سابقه خدمت بیشتر و مدیریت بالای ۱۰ سال با اجرای سیاست خصوصی سازی در ورزش موافقت بیشتری دارند.

مدل مفهومی تحقیق

برای طراحی مدل مفهومی این تحقیق مدل نظری ژوزف پرکوپنکو که در آن به موانعی چون «مقاومت کارکنان و مدیران»، «پیچیدگی های بوروکراتیک» و «ضعف مهارت های مدیریت در اقتصاد بازار» اشاره گردیده و همچنین مدل ارائه شده از سوی دکتر امیری و همکاران استناد شده است.



(۲- پرکوپنکو)؛ (۳- امیری و همکاران)

روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی و از نظر هدف به جهت اینکه می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های مسوول در حوزه خصوصی‌سازی ورزش قرار بگیرد در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان در حوزه‌های مرتبط بودند. به لحاظ محدودیت افراد؛ تمامی اعضای جامعه آماری مد نظر قرار گرفتند و به عبارتی نمونه این تحقیق معادل جامعه آماری در نظر گرفته شد. در این تحقیق تعداد ۳۸۶ نفر به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند.

روش گردآوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه - محقق ساخته - است که مستقیماً توسط پاسخگویان - مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان - تکمیل شده است.

روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق ضمن ورود داده‌های پرسشنامه در نرم افزار «SPSS» و «MINI TAB» برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از روش تحلیل توصیفی - به منظور سنجش فراوانی - و از روش تحلیل استنباطی - آزمون تی تک‌نمونه‌ای و آزمون علامت تک نمونه‌ای و همین‌طور آزمون فریدمن - برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

روایی پرسشنامه تحقیق

نوع بررسی اعتبار این تحقیق؛ روش اعتبار صوری است که به شکل ذیل انجام شد:

پرسشنامه این تحقیق محقق ساخته بوده و در مرحله اول تلاش محقق بر آن بود تا سوالات متناسب با ابعاد خصوصی‌سازی ورزش کشور و همچنین متغیرهای تحقیق و شاخص‌های برآمده از نظریه‌ها و مفاهیم به‌نگارش درآید در این مرحله تعداد ۴۹ سوال طراحی شد. پس از اعمال نظر صاحب‌نظران پرسشنامه تحقیق با شش سوال عمومی و سی و هشت سوال بسته و دو سوال باز نهایی شد.

پایایی پرسشنامه تحقیق

در این تحقیق معیار آلفای کرونباخ در روند نهایی‌سازی و همبستگی درونی سوالات پرسشنامه بکار گرفته شد در مرحله اول پرسشنامه تهیه شده در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران حوزه ورزشی قرار گرفت تا پایایی آن مورد سنجش قرار بگیرد. پرسشنامه بین ۱۸ نفر توزیع شد پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های پر شده و یکسان‌سازی جهت سوالات، آلفای کرونباخ عدد «۰/۵۸۷» را نشان داد که مقدار پایینی بود به همین خاطر برخی سوالات که حذف آن‌ها به افزایش مقدار آلفای کرونباخ منجر می‌شد، حذف شدند در این مرحله آلفای کرونباخ مقدار «۰/۷۰۵» که بیانگر عدد مناسبی برای این معیار تلقی می‌شد بدست آمد.

همچنین پس از توزیع پرسشنامه تصحیح شده بین پاسخگویان - تعداد پاسخگویان ۳۸۶ نفر بودند- و پردازش اطلاعات، مجدداً آلفای کرونباخ محاسبه شده و عدد ۰/۷۷۱ را نشان داد.

یافته‌های تحقیق

بعد فرهنگی

مقاومت مدیران و کارکنان

برای بررسی متغیر «مقاومت مدیران و کارکنان» سه شاخص «مقاومت در برابر تغییرات حاصل از خصوصی‌سازی»، «ذهنیت منفی کارکنان نسبت به خصوصی‌سازی به لحاظ کاهش امنیت شغلی»، «اعمال فشار برای واگذاری اماکن ورزشی به پیش‌کسوتان در فضای غیر رقابتی» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۳٪) پاسخگویان با ترس مدیران و عدم اشراف آن‌ها نسبت به شرایط اقتصادی پس از خصوصی‌سازی اماکن ورزشی موافق هستند نتایج حاصله گویای آن است که از منظر پاسخگویان، مدیران اماکن ورزشی دولتی از حضور در عرصه اقتصاد بازار آزاد صنعت ورزش و رقابت واهمه دارند و این ترس موجب می‌شود تا در برابر خصوصی‌سازی مقاومت کنند.

بررسی شاخص دوم (ذهنیت منفی کارکنان نسبت به خصوصی‌سازی به لحاظ کاهش امنیت شغلی) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۸۵٪) پاسخگویان معتقدند کارکنان اماکن ورزشی شغل خود را در خطر می‌بینند از اینرو در برابر خصوصی‌سازی اماکن ورزشی مقاومت می‌کنند.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد بالغ بر (۷۱٪) از پاسخگویان معتقد بودند که اماکن ورزشی باید در فضای غیر رقابتی به پیش‌کسوتان ورزشی و کارکنان بدنه ورزش واگذار شود. این شاخص به نوعی نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار داده و می‌توان چنین نتیجه گرفت نگرش پاسخگویان که شامل مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان می‌شود بر سر راه خصوصی‌سازی ورزش مانع ایجاد خواهد کرد چرا که این گروه به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر تصمیم‌ساز خصوصی‌سازی صنعت ورزش محسوب می‌شوند.

در تحقیق کاظمی (۱۳۸۸) نیز «مقاومت کارکنان و مدیران» به عنوان مانع خصوصی‌سازی شرکت پست مورد تایید قرار گرفته است.

فقدان عزم کافی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر فقدان عزم کافی بر روند خصوصی‌سازی مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «فقدان عزم کافی» دو شاخص «نبود اعمال تلاش‌های مداوم برای رسیدن به هدف (خصوصی‌سازی)» و «عزم و اراده مسوولین برای خصوصی‌سازی به رفتار آنان جهت می‌دهد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۸٪) پاسخگویان موافق آنند که تلاش‌های صورت گرفته در زمینه خصوصی‌سازی ورزش غیر مستمر و ناپایدار است.

بررسی شاخص دوم (عزم و اراده مسوولین برای خصوصی‌سازی به رفتار آنان جهت می‌دهد) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۶۵٪) پاسخگویان معتقدند مسوولین هنوز تصمیم جدی برای خصوصی‌سازی اماکن ورزشی نگرفته‌اند و تلاش آن‌ها برای خصوصی‌سازی از منظر پاسخگویان جدی تلقی نشده است. از اینرو نبود انگیزه کافی در آن‌ها مانعی در روند خصوصی‌سازی ورزش است.

قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال کشور را بررسی کرده‌اند، در تحقیق آن‌ها علی‌رغم نتایج این تحقیق فرضیه تأثیر «فقدان عزم و اراده مدیران» بر روند خصوصی‌سازی باشگاه‌های ورزشی رد شده است.

نگرش منفی نخبگان به خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تأثیر نگرش منفی نخبگان به خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «نگرش منفی نخبگان و مردم به خصوصی‌سازی» دو شاخص «اعتماد به کارگزاران دولتی با در نظر گرفتن نفع عمومی» و «ناکارایی بخش خصوصی برای اداره صنعت ورزش» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۵۹٪) پاسخگویان با مالکیت دولت بر اماکن ورزشی موافقت و به بخش دولتی بیش از بخش خصوصی اعتماد دارند این شاخص نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار می‌دهد از اینرو می‌توان ادعان داشت بیش از نیمی از کارکنان وزارت ورزش و جوانان نسبت به بخش خصوصی دیدی منفی دارند همچنین آن‌ها معتقدند با واگذاری اماکن ورزشی به بخش خصوصی دیگر دست عامه مردم به این اماکن نخواهد رسید.

بررسی شاخص دوم (ناکارایی بخش خصوصی برای اداره صنعت ورزش) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۵۴٪) پاسخگویان معتقدند با واگذاری اماکن ورزشی به بخش خصوصی اوضاع نسبت به گذشته وخیم‌تر خواهد شد این شاخص نیز نگرش پاسخگویان را مورد ارزیابی قرار داده و نتایج آن حاکی از آن است که کارکنان وزارت ورزش و جوانان صلاحیت بخش خصوصی در تصدی اماکن ورزشی را پذیرا نیستند.

بعد سازمانی

طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۲۶) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تأثیر طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی» چهار شاخص «صنعت ورزش در اختیار دولت است»؛ «جایگزینی فضای رقابتی در مقابل بازار انحصاری صنعت ورزش»؛ «لزوم بازسازی ساختاری اماکن ورزشی قبل از واگذاری» و «انتقال کامل مالکیت، سهام و مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی» مورد سنجش قرار گرفته است.

یکی از الزامات طراحی درست فرایند خصوصی سازی انحصارزدایی است نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۶۸٪) پاسخگویان صنعت ورزش را در انحصار دولت می دانند این امر ناشی از آن است که دولت اقدامی جهت لغو انحصار دولتی صنعت ورزش و بازنگری در نظام حمایتی از اماکن ورزشی دولتی نکرده است و می توان نتیجه گرفت این رویه مانع خصوصی سازی صنعت ورزش است.

بررسی شاخص دوم (جایگزینی فضای رقابتی در مقابل بازار انحصاری صنعت ورزش) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۷۵٪) پاسخگویان اذعان داشته اند قواعد و اقتصاد رقابتی نتوانسته بر فضای غیر رقابتی غلبه پیدا کند و خریداران تمایل دارند اماکن ورزشی در فضای غیر رقابتی به آن ها واگذار شود از طرفی نگرش پاسخگویان هم مؤید ترجیح فضای غیر رقابتی در عرصه واگذاری ها است چنانچه بیش از نیمی از آن ها معتقدند واگذاری ها اماکن ورزشی باید به تشخیص کارکنان وزارت ورزش و جوانان صورت بپذیرد.

شاخص سوم بیانگر نگرش پاسخگویان به ضرورت تعیین وضعیت اقلام ساختاری اماکن ورزشی مثل نیروی انسانی، مسایل مالی و فنی قبل از واگذاری است، (۷۰٪) پاسخگویان با این شاخص موافق بوده اند از اینرو می توان اذعان داشت بر اساس نگرش پاسخگویان نسبت به این شاخص واگذاری ها با مخاطره کمتری انجام خواهد شد.

شاخص چهارم نگرش پاسخگویان را نسبت به «انتقال کامل مالکیت، سهام و مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی» را مشخص می کند. بالغ بر (۶۷٪) پاسخگویان معتقدند مدیریت اماکن ورزشی و همچنین بخشی از سهام آن ها باید در اختیار دولت باقی بماند در خصوص این نگرش می توان اذعان داشت بیش از نیمی از پاسخگویان عملاً به خصوصی سازی صنعت ورزش قائل نیستند چرا که جوهر و مفهوم خصوصی سازی این است که دولت مدیریت و کنترل یک بنگاه را رها ساخته و مالکیت سهام آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

در تحقیق هادی فر (۱۳۸۶) نیز «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی» به عنوان مانع خصوصی سازی شرکت مخابرات مورد تایید قرار گرفته است.

تشریفات پیچیده اداری

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر تشریفات پیچیده اداری بر روند خصوصی سازی ورزش کشور مورد تایید قرار می گیرد.

برای بررسی متغیر «تشریفات پیچیده اداری» شاخص «رویه های پیچیده اداری مانع خصوصی سازی صنعت ورزش شده است» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری این شاخص حاکی از آن است که بالغ بر (۸۳٪) پاسخگویان رویه‌های پیچیده اداری را مانعی در روند خصوصی‌سازی ورزش قلمداد می‌کنند رویه‌های پیچیده‌اداری می‌تواند ناشی از محدودیت‌های قانونی و اداری یا محدود بودن کارکنان ماهر باشد.

کاظمی (۱۳۸۸) در مطالعه خود در شرکت پست رابطه پیچیدگی بوروکراتیک و روند کند خصوصی‌سازی را مورد تایید قرار داده است.

عدم تعیین اهداف دقیق خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر عدم تعیین اهداف دقیق خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی کشور مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی‌سازی» دو شاخص «بجای بهره‌وری و کارایی انتظار درآمد از خصوصی‌سازی ورزش بوجود آمده است»؛ «روش‌های بکار گرفته شده در خصوصی‌سازی ورزش با گسترش مالکیت عمومی سنخیتی ندارد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۶٪) پاسخگویان قائل به این هستند که درآمد حاصل از خصوصی‌سازی باید برای رفع مشکلات ورزش کشور مثل رد دیون بخش دولتی هزینه شود. این انتظار از نحوه هزینه کرد اعتبارات با اهداف خصوصی‌سازی (افزایش کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های واگذار شده) تناسبی نداشته و مانعی در روند خصوصی‌سازی از جمله خصوصی‌سازی ورزش محسوب می‌شود.

بررسی شاخص دوم (روش‌های بکار گرفته شده در خصوصی‌سازی ورزش با گسترش مالکیت عمومی سنخیتی ندارد) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۶۶٪) پاسخگویان ترجیح می‌دهند واگذاری ورزشگاه‌ها به خریداران عمده صورت پذیرد و بیش از نیمی از آن‌ها با روش‌هایی که منجر به توسعه مالکیت عمومی می‌شود مخالفند.

علی‌زاده (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «خصوصی‌سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرایند مشارکت مردمی» «عدم تعیین و تصریح اهداف خصوصی‌سازی» را به عنوان مشکل دولت پیش از اجرای خصوصی‌سازی مورد تایید قرار داده است.

بعد سیاسی

رابطه گرایی شدید در واگذاری

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر رابطه‌گرایی شدید در واگذاری بر روند خصوصی‌سازی ورزش کشور مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «رابطه‌گرایی شدید در واگذاری» سه شاخص «مدیریت اماکن ورزشی در دست عده‌ای خاص قرار دارد»؛ «تعیین جزئیات پیچیده برای انتخاب یک شرکت کننده و حذف شرکت کننده دیگر»؛ «برای تصمیم‌گیری‌های از نوع پشت پرده، روابط غیر رسمی ترجیح دارد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۶۲٪) پاسخگویان اظهار کرده‌اند اماکن ورزشی معمولاً به معتمدین دولتی واگذار می‌شود، رابطه‌گرایی از این دست و واگذاری اماکن ورزشی به طرفداران حزبی، اقوام و دوستان به انحصار و مدیریت عده‌ای خاص بر اماکن ورزشی منجر شده و مانع خصوصی‌سازی واقعی صنعت ورزش می‌شود.

بررسی شاخص دوم (تعیین جزئیات پیچیده برای انتخاب یک شرکت کننده و حذف شرکت کننده دیگر) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۸۴٪) پاسخگویان «اهلیت داشتن» خریداران را مورد تایید قرار داده‌اند این شاخص می‌تواند با هدف حذف رقبا و انتخاب گزینشی خریداران صورت پذیرد و فضا را برای رابطه‌گرایی فراهم آورد از اینرو مانعی در روند خصوصی‌سازی اماکن ورزشی محسوب می‌شود.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد بالغ بر (۷۵٪) از پاسخگویان اظهار کرده‌اند روابط رسمی و محدودیت سازمانی روند سازمانی را کند کرده است، از نظر آن‌ها واگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های پشت پرده بر روابط رسمی ترجیح دارد این وضعیت به رابطه‌گرایی منجر شده و مانعی در روند خصوصی‌سازی ورزش است.

دخالت گروه‌های ذی‌نفع در امر خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر دخالت گروه‌های ذی‌نفع در امر خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی ورزش کشور مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «دخالت گروه‌های ذی‌نفع در امر خصوصی‌سازی» سه شاخص «دخالت گروه‌های ذینفع و تغییر تصمیمات مراجع حکومتی از طریق رسانه‌های گروهی»؛ «تحریم و مقاومت گروه‌های ذینفع در برابر واگذاری‌ها» و «ملی‌گرایان اقتصادی مخالف خصوصی‌سازی» مورد سنجش قرار گرفته است.

توسل گروه‌های ذی‌نفع به رسانه‌های گروهی و تبلیغات در بسیاری از موارد قدرت آن‌ها را افزایش داده و شرایط برای تغییر تصمیمات مراجع حکومتی از طریق آن فراهم می‌آید. نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۷۴٪) پاسخگویان اظهار داشته‌اند گروه‌های ذینفع، تصمیم‌گیران حوزه خصوصی‌سازی ورزش را از طریق رسانه‌های گروهی و تبلیغات تحت فشار قرار می‌دهند.

بررسی شاخص دوم (تحریم و مقاومت گروه‌های ذینفع در برابر واگذاری‌ها) حاکی از آن است که بالغ بر (۶۲٪) پاسخگویان معتقدند این حق خریداران اماکن ورزشی است که در برخی مواقع در برابر نحوه واگذاری‌ها و قیمت آن‌ها مقاومت کرده و آن را تحریم کنند این شاخص نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار داده و نتایج آن بیانگر آن است که این حربه نفوذ گروه‌های ذینفع از طرف پاسخگویان پذیرفته شده است.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد ملی گرایی اقتصادی در بین پاسخگویان در حد متوسط است بر اساس نتایج حاصله (۵۲٪) از پاسخگویان تسلط سرمایه‌داری غربی یا نفوذ سرمایه‌داری وابسته به غرب را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. این نتیجه بیانگر آن است که ملی گرایی اقتصادی و میزان تنفر آن‌ها از سرمایه‌داری غربی نمی‌تواند مانع جدی در روند خصوصی‌سازی ورزش ایران باشد.

سهیلی (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود با عنوان چالش‌ها و تنگناها، آثار و راهکارهای آزادسازی و خصوصی‌سازی در بخش انرژی؛ «تضاد آزادسازی با منافع گروه‌های ذی‌نفوذ» را از جمله محدودیت‌های خصوصی‌سازی بخش انرژی دانسته و آن را تایید کرده است. هادی‌فر (۱۳۸۶) هم «عدم تعریف و شناخت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ» را به عنوان مهمترین موانع خصوصی‌سازی و آزادسازی در مخابرات دانسته و آن را تایید کرده است.

فساد در فرایند خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از اینرو تاثیر فساد در فرایند خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی ورزش کشور مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «فساد در فرایند خصوصی‌سازی» سه شاخص «بخش عمده‌ای از مالکان جدید اماکن ورزشی دارندگان اطلاعات پنهان هستند که یک نوع فساد محسوب می‌شود»؛ «فساد در فرایند دریافت وام برای خرید سهام اماکن ورزشی» و «نبود شفافیت باعث بروز فساد در فرایند خصوصی‌سازی است» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج حاصل از شاخص اول حاکی از آن است که (۴۵٪) پاسخگویان اظهار داشته‌اند موضوعی بنام اطلاعات پنهان و دسترسی برخی افراد به آن مطرح نبوده و خریداران در شرایط یکسان قرار دارند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند خصوصی‌سازی ورزش ایران، فساد از نوع دسترسی به اطلاعات پنهان چندان مطرح نیست.

در ادبیات خصوصی‌سازی پرداخت «وام برای سهام» به فرهنگ دزد سالاری تعبیر شده است شاخص دوم (فساد در فرایند دریافت وام برای خرید سهام اماکن ورزشی) حاکی از آن دارد که بالغ بر (۷۴٪) پاسخگویان با پرداخت وام به خریداران مخالف هستند، این شاخص بیانگر نگرش کارکنان وزارت ورزش و جوانان است.

بالغ بر (۷۸٪) پاسخگویان با سومین شاخص (نبود شفافیت باعث بروز فساد در فرایند خصوصی‌سازی است) موافقت پاسخگویان عنوان داشته‌اند روش‌های خصوصی‌سازی دچار ابهام بوده و مراحل آن نیز برای خریداران چندان شفاف نیست. نتایج این شاخص برخلاف دو شاخص قبلی با قطعیت بیشتری فساد در فرایند خصوصی‌سازی را تایید می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

✓ همانطور که در یافته‌های تحقیق عنوان شد «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی‌سازی» مانع روند خصوصی‌سازی ورزش کشور است. نتایج آزمون فریدمن هم دال بر آن است که این متغیر مهمترین مانع تلقی می‌شود. از آنجا که یکی از اهداف اصلی خصوصی‌سازی گسترش مالکیت عمومی است پیشنهاد می‌شود واگذاری اماکن ورزشی از طریق بورس صورت پذیرد.

✓ همچنین در یافته‌های تحقیق عنوان شد «مقاومت کارکنان و مدیران» مانع خصوصی‌سازی ورزش کشور است. برای کنترل این مانع، پیشنهاد می‌شود وضعیت کارکنان اماکن در معرض واگذاری با اقداماتی نظیر بازنشستگی کارکنان قدیمی، بازخرید کارکنان جدید ورود و واگذاری سهام به کارکنان مورد توجه قرار بگیرد.

✓ یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی‌سازی» مانع خصوصی‌سازی ورزش کشور است. یکی از مصادیق طراحی نادرست بی‌توجهی به مسائل ساختاری مانند بلامتلفی کارکنان و حل نشدن مسائل فنی و مالی اماکن ورزشی قبل از واگذاری است. از اینرو باید ترتیبی اتخاذ شود که هر یک از اماکن ورزشی قبل از واگذاری وضعیت نیروی انسانی و مسایل فنی و مالی خود را حل کند.

✓ پیشنهاد می‌شود ساختار سازمانی مشخص و متقن متولی امر خصوصی‌سازی در وزارت ورزش و جوانان ایجاد شده و اجرای قوانین و مقررات خصوصی‌سازی ورزش در چارچوب روابط رسمی مورد توجه قرار بگیرد.

فهرست منابع

الوانی، م. (۱۳۹۱). *تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی*. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

امیری و همکاران، م. (۱۳۹۲، زمستان). تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش. *نشریه مدیریت ورزشی* (دوره ۵ شماره ۴)، ۱۰۶ - ۸۳.

اوانز، پ. (۱۳۸۰). *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*. (ع. زند باف، & ع. مخبر، مترجم) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بیردزال، ن. & نلیس، ج. (۱۳۸۹). *بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه*. (ف. مشتاق صفت، مترجم) تهران: به سفارش سازمان خصوصی سازی: انتشارات فرهنگ دهخدا.

پاکدامن، ر. (۱۳۷۴). *جنبه های کاربردی خصوصی سازی*. تهران: انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد.

پرکوپنکو، ژ. (۱۳۸۰). *مدیریت خصوصی سازی*. (د. اکبری، & ح. داوری، مترجم) تهران: نشر آتنا.

دانایی فرد، ح. (۱۳۹۲). *چالش های مدیریت دولتی ایران*. تهران: ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

رشدی، ط. (۱۳۹۲). *نظام حقوقی حاکم بر خصوصی سازی در چارچوب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران.

رضوی، م. (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تاکید بر ورزش قهرمانی*. رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران.

زرنندی. (۱۳۹۱). *موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد.

علی زاده. (۱۳۸۴). *خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی*. پایان نامه.

قره خانی و همکاران، ح. (۱۳۸۹). *بررسی چالش ها و موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور*. رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

کاظمی، ا. (۱۳۸۸). *بررسی موانع خصوصی سازی در شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل پرکوپنکو*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران.

کميجانی، ا. & رحیمی فر، م. (۱۳۷۲). *تحلیل بازار بورس اوراق بهادار و کاربرد آن در فرایند خصوصی سازی*. *مجله اقتصاد مدیریت، پاییز*.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶). *بند ب و ج ماده ۱۷ از فصل پنجم فرآیند واگذاری بنگاه های دولتی، قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم*. تهران.

مجلس شورای اسلامی. (۱۸ فروردین ۱۳۸۱). *ماده یک قانون اصلاح مواد از قانون برنامه توسعه اقتصادی*. تهران.

هادی‌فر، د. (۱۳۸۶). موانع اقتصادی خصوصی‌سازی و آزادسازی در مخابرات. ماهنامه دنیای مخابرات و ارتباطات، شماره ۴۶.

وایزشکر و همکاران، ا. (۱۳۸۶). محدودیت‌های خصوصی‌سازی. (م. صفار، مترجم) تهران: نشر رسانه‌های سازمان خصوصی‌سازی.

Bailey, R. W. (1987). *Use and Misuses of Privatization*. New York: The Academy of Political Science.

Kay, & Thompson. (1986, March). Privatization A Policy in Search of A Rationale. *The Economic Journal*, 96, 18 - 32.

Stapenhurst, & Langseth. (1997). The Role of the Public Administration in Fighting Corruption. *International Journal of Public Sector Management*, 14.